

دکتر صادق بافنده ایمان دوست

استادیار دانشگاه پیام نور

تاریخ تفکر اقتصادی در ایران ۱۳۰۷-۱۲۵۳ (ش. ۵)

چکیده:

یکی از مسائل مهم در پیشرفت یا عقب ماندگی یک کشور طرز تفکر و بینش دولتمردان آن کشور است. مقاله حاضر تلاشی دارد تا تاریخ تفکر اقتصادی را در بین دولتمردان ایران در اواخر حکومت قاجاریه و اوایل حکومت پهلوی بررسی کند. طبیعی است که بدون در نظر گرفتن مبدأ سیر تکاملی تفکر اقتصادی در یک کشور، فهم تاریخ اقتصادی یک کشور دشوار است. نکته جالب این است که برخی مسائل مهم بین متفکرین ایرانی در طی دوره مورد بحث هنوز هم مرتبط به سیاست امروز ایران است. برای روان تر شدن مطلب، دوره مطالعه به سه مقطع تقسیم شده است و برای هر مقطع یک یا دو نوشته اقتصادی که مبین تفکر اقتصادی آن مقطع است، ارائه میشود. میرزا ملکم خان، سید جمال الدین اصفهانی، مرتضی قلی خان صنیع الدوله و علی اکبر داور از جمله کسانی بوده اند که در زمینه اقتصادی اظهار نظر کرده اند.

کلید واژه: تفکر اقتصادی، کشورهای در حال توسعه، پیشرفت، رشد اقتصادی، اقتصاد ایران

مقدمه:

تاریخ تفکر اقتصادی در کشورهای در حال توسعه (Developing Countries) موضوعی است که تا به حال به آن توجه نشده است. این باور درست است که همه ایده‌های جدید و اکتشافات در علم اقتصاد از کشورهای توسعه یافته غربی نشأت می‌گیرد. یک نگاه کوتاه به هر کتاب مهم تاریخ تفکر اقتصادی تأییدکننده این مطلب است که در ۲۰۰ سال گذشته کشورهای در حال توسعه هیچ چیز جدیدی به این رشته اضافه نکرده‌اند. بنابراین جستجو در نوشته‌های متفکران کشورهای جهان سوم به امید یافتن یک مقاله علمی یک کار بیهوده خواهد بود. مطلب که مهم این است که ایده‌های متفکران در کشورهای در حال توسعه با چگونگی تفکر مدرن در ملت‌هایشان مرتبط است که این اهمیت به صورت نفوذ روی سیاست‌های دولت و رفتار مردم تجلی می‌یابد. نظرات این متفکرین، اگر چه ابتدائی و یا کهنه است، پاسخ اقتصاددانان و سیاستگذاران آن زمان در مواجهه با مشکلات جوامعشان است. با وجود این نظر آنها منعکس‌کننده شرایط اقتصادی کشور، آرزوهای توده ملت، و درجه‌ای از دانش اقتصادی است که برخی از روشنفکران داشته‌اند. در بسط تفکرات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه نقش سیاست‌های دولت و نفوذ و انتظارات مردم مهم هستند اما نمی‌توان در مورد آن غلو کرد. همانطور که جان مینارد کینز اشاره کرده است:

«نظرات اقتصاددانان و فلاسفه سیاسی، هر دو چه هنگامی که آنها درست می‌گویند و چه هنگامی که اشتباه می‌کنند خیلی قوی‌تر از آن چیزی است که عموماً فهمیده می‌شود. در حقیقت دنیا به وسیله یک تعداد کمی اداره می‌شود.»^۱

برای بهتر شدن بحث، دوره مورد مطالعه به سه مقطع زمانی تقسیم شده است. در هر دوره یک یا دو نوشته اقتصادی انتخاب شده و به عنوان یک تفکر اقتصادی ارائه شده است. بسیاری از این کتابها، مقالات، جزوه‌ها برای این تحقیق استفاده شده، بعلاوه بحثی که بیشتر اهمیت داشته از لحاظ اقتصاد، مسئله رشد اقتصادی بوده است. برای تحقیق، همه نوشته‌ها در تمام جنبه‌های اقتصاد دامنه‌ای فراتر از یک مقاله باید مورد توجه قرار گیرد. به عقیده نویسنده این مقاله یک چهارچوب برای تفکر اقتصادی و اقتصاد سیاسی در سطح اقتصاد کلان ایران، ارائه می‌دهد. برای بهتر شدن این چهارچوب تلاش شده تا فاصله بین شکافهای زمانی از بین برود. سه دوره بحث شده عبارتند از:

۱- سالهای لیبرالیزم (آزادی اقتصادی) و درخواست برای جذب سرمایه که از اواخر ربع آخر قرن نوزدهم شروع و تا اوایل قرن بیستم ادامه می‌یابد. جزوه «اصول پیشرفت» که به وسیله میرزا ملکم خان نظام الدوله نوشته شده و نشان‌دهنده تفکر اقتصادی این دوره است.

۲- دوره ناسیونالیزم (ملی‌گرایی)، هنگامی که تلاشهایی برای حرکت سرمایه داخلی و تشکیل شرکت‌های داخلی انجام شد و در این زمان صحبت از خودکفایی مطرح شد. این دوره از ابتدای قرن بیستم تا سالهای دهه ۱۹۲۰ ادامه می‌یابد. نوشته‌های مربوط به این دوره عبارتند از «لباس تقوی» اثر سید جمال‌الدین اصفهانی و «جاده رستگاری» اثر صنیع الدوله.

۳- دوران دولت مدار، یعنی دولت پیشقدم و پیشتاز در اقتصاد است که از سال ۱۹۲۰ شروع شده و همراه با فراز و نشیب‌هایی تا کنون ادامه دارد. نوشته‌ای که برای این دوره مورد استفاده قرار گرفته است مقاله «بحران» اثر علی اکبر داور است.

همانطور که قبلاً اشاره شده نظرات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، در مقیاس وسیع، عکس‌العمل اقتصاددانان و تصمیم‌گیران در مواجهه با مشکلات اقتصادی ملت است. بنابراین، ابتدا باید سؤال کنیم مشکلات ایران چه بوده که چنین جوابهایی به آن داده شده است.

شکست‌های متوالی ایران ابتدا در مقابل روسها و سپس بریتانیا، ایرانیان را بیشتر نسبت به عقب ماندگی کشورشان آگاه کرد. اروپائیان علم و تکنولوژی داشتند و ارتش آنان به راحتی نیروهای ایران را شکست می‌داد. توانایی ایران برای دفاع از قلمرو و تمامیت ارضی‌اش بستگی به جمع‌آوری و تشکیل یک ارتش مجهز به سلاحهای مدرن، علم و تکنولوژی داشت. این امر نیازمند منابع مالی بود یعنی دولت باید مالیات جمع می‌کرد. اما سیستم مالیات هم مثل ارتش عقب‌مانده و ابتدائی بود. گروه مستوفی‌ها (حسابداران مالیاتی) که ساختار نظام مالیاتی را درست کرده بودند، درآمدهای مالیاتی را مستقیماً جمع‌آوری می‌کردند آن هم به وسیله دولتمردان محلی و با روشی بیرحمانه که یادآور روش چنگیزخان بود. بنابراین اولین حرکت‌های اصلاحی این بود که مالیاتها بطور منظم جمع‌آوری شود، سلاحهای مدرن از خارج خریداری یا در داخل کشور تولید شود و به ارتش آموزش بهتری ارائه شود.^۲ با وجود این مشخص نبود که سیستم مستوفی چقدر موثر است یا چه مقدار می‌توان به کشاورز فشار وارد کرد، ظرفیت تولیدی و درآمد مشمول مالیات محدود بود. در حقیقت چنین فشارهایی باعث کاهش تولید موجود و در نتیجه کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شد.

در اولین مرحله می‌بایست افزایش تولید و درآمد مورد توجه قرار می‌گرفت اما این مسائل کمتر توجه شده بود. برای افزایش محصول، دولت می‌بایست یک محیط امن برای فعالیتهای اقتصادی تهیه می‌کرد، محیطی که در آن مالکیت خصوصی امن (مطمئن) و حقوق دارایی‌ها محترم شمرده شود. اما دولت ظرفیت انجام چنین تضمین‌هایی را نداشت. بعلاوه، افزایش در تولید مستلزم بهبود در سه عامل تولید بود یعنی: کار، سرمایه و تکنولوژی.

ایران جمعیت کمی داشت که بیشتر آن را افراد بی‌سواد و غیر سلامت تشکیل داده بود کسانی که هیچ اطلاعی از تکنولوژی مدرن نداشتند. بهبود بهداشت و تحصیل برای جمعیت نیازمند پول بود، تا بتوان کالاهای سرمایه‌ای و تکنولوژی تهیه کرد. فقر مشکل ایران بود. چه کارهایی انجام شده بود؟ فقط تلاشهای اندکی برای پاسخ به این سؤال مهم و اساسی شده است. براساس پاسخهای داده شده، دوره مورد بحث به سه قسمت تقسیم شده است. در طی دوره اول متفکران ایرانی امید به جذب سرمایه گذاری خارجی داشتند، بنابراین منابع مالی و فکری وارد کشور کردند. در دوره دوم آنها به امید سرمایه‌داران ایرانی بودند که آنها بتوانند با افزایش رقابت و تأسیس صنایع جدید به کشور کمک کنند. بالاخره در دوره سوم همه امید آنان در دولت خلاصه می‌شد. میرزا ملکم‌خان نظام‌الدوله برای دانشجویان ایرانی کاملاً شناخته شده است و نیاز به معرفی ندارد، تعدادی کتاب به زبان فارسی و انگلیسی در مورد وی موجود است.^۳ در اینجا ما به کتاب «اصول پیشرفت»، که به نام «اصول مدنیت» شناخته شده است، توجه کرده‌ایم وی این کتاب را در سال ۱۸۷۵ میلادی برای ناصرالدین شاه قاجار و در لندن نوشته است. در حالیکه بسیاری مسائل مدرن در این کتاب اشاره شده است ولی ارتباط منطقی بین بحث‌ها روشن نیست و کتاب پر از مطالب تکراری است. برای سادگی نوشتار، مطالب این کتاب به سه قسمت تقسیم شده است.

اول، انتقادات ملکم‌خان به نخبگان سیاسی بخاطر این تفکر که می‌توان با بستن درهای کشور بر روی خارجی‌ان و جدا کردن کشور، جلوی نفوذ غربیها را گرفت. او عقیده داشت که چنین تفکراتی بخاطر غفلت است زیرا کشورهای اروپایی که وارد کشورهای دیگری شده‌اند و آنها را اداره کرده‌اند (مستعمره) باعث توسعه آن کشورها شده‌اند. اولین موفقیت این کشورهای مستعمره افزایش تجارت با کشورهای اروپایی و بنابراین کسب سود از این کشورهاست. برای مثال هدف دولت بریتانیا، براساس نظر ملکم‌خان، پیدا کردن خریدار برای تولیداتش است. بریتانیا کشورهای دیگر را تصرف می‌کند آنها را توسعه می‌دهد و امن می‌کند بنابراین یک بازار برای کالاهایش بوجود می‌آورد. به عقیده وی این

تنها راهی است که برای توسعه اقتصادی و گسترش تجارت با کشورهای غربی برای ایران متصور است. چون کشورهای اروپایی سود تجاری کسب می‌کنند هیچکدام دشمن ایران نخواهند شد، زیرا اگر یک کشور بخواهد این کار را بکند دیگران مانع خواهند شد. قطع روابط با اروپا و مسدود کردن راهها، ایران را امن نخواهد کرد.

دوم، ملکم‌خان تعدادی اصول اقتصادی در نوشته‌اش ارائه می‌کند. او خاطرنشان می‌کند که توسعه یک کشور، رفاه مردم، قدرت دولت و منابع مالی همگی بستگی به سطح تولید یک ملت دارد. عوامل تولید عبارتند از منابع طبیعی، نیروی کار، سرمایه و دانش. برای افزایش تولید، یک ملت باید سخت کار کند و تجارت را گسترش دهد. همه علوم و اختراعات به طرف افزایش تولید هدایت می‌شود و تنها هدف کشورهای اروپایی افزایش تولیداتشان است. همه اعمال این کشورها شامل جنگ و صلح بر اساس منافع تجاری می‌باشد. تجارت لازمه تولید است زیرا بدون فروش محصولات تولیدکنندگان نابود خواهند شد. خریدار مورد نیاز است تا بتوان تولید را افزایش داد و راه گسترش دادن بازار برای تولید پایین آوردن قیمت است.

همانطور که طلا و نقره در بازارهای بین‌المللی مبادله می‌شود، به عقیده ملکم‌خان سایر کالاها مثل آهن، گندم و تنباکو را هم می‌توان مبادله کرد و اگر کالایی از کشور صادر شود ما نباید نسبت به آن نگران باشیم. در تجارت ما همان مبلغی را دریافت می‌کنیم که چیزی فروختیم اگر چه در مبادله این نرخ تقریبی است و ممکن است کاملاً برابر نباشد. برای مثال ما به یک کشور گندم می‌فروشیم و با کشور دیگر طلا مبادله می‌کنیم و در نتیجه پارچه بدست می‌آوریم. اما طلا و نقره ارزش مضاعفی دارند و به عنوان پول رایج استفاده می‌شوند. پول واحد حساب و برای پرداخت است. نقره و طلا پول هستند زیرا همه کشورها آنها را قبول دارند نه بخاطر این که آنها دارای خصوصیات خاصی هستند. مشاهده می‌کنیم که پول کاغذی در کشورهای اروپایی بیشتر از طلا و نقره در چرخه اقتصاد وجود دارد.

بر پایه این اصول، ملکم‌خان پیشنهادات زیر را برای بهبود اقتصاد ارائه می‌کند. این پیشنهادات را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: یک قسمت آنهایی که کشور را برای توسعه تجاری و گسترش فعالیت‌های اقتصادی آماده می‌کنند و دوم آنهایی که مربوط به عوامل تولید است.

در گروه اول او پیشنهاد می‌کند:

- ۱- ساختن جاده‌ها تا بتوان کالاهای ایران را ارزان‌تر به بازار رساند.
 - ۲- پایان دادن به عوارض گمرک داخلی و عوارض جاده‌ای.
 - ۳- استاندارد کردن وزن و کیفیت سکه‌های ایرانی تا این سکه‌ها برای تجارت مقبول باشد.
 - ۴- حفاظت از جان و مال مردم زیرا امنیت باعث خواهد شد که مردم خوب کار کنند.
 - ۵- ایجاد بنگاه‌ها و تصویب قوانین برای کمک به تأسیس شرکتها زیرا برای ساختن راه آهن و کارخانه‌ها ما نیاز به شرکت (کمپانی) داریم.
- ملکم خان اضافه می‌کند قوانین و سنتهای ایران برای تأسیس شرکتها ناکارآمد هستند و تعاونیها باید از خارج آورده شود.

گروه دوم از نظرات وی عبارتند از:

- ۱- ساختن مدارس مدرن به بیشترین مقدار ممکن و فرستادن حداقل ۲۰۰ دانشجو برای تحصیل در خارج کشور بطور سالانه.
 - ۲- تأسیس بانک برای تحرک سرمایه. مشکل اصلی ایران کمبود سرمایه است. بانک قادر است پس اندازهای افراد ولو اندک را جمع آوری کرده و به صورت سرمایه به تولیدکنندگان قرض دهد. هر شاخه از فعالیتهای اقتصادی نیاز به بانک مخصوص به خود دارد.
 - ۳- اگر سرمایه داخلی ناکافی است باید از خارج جذب کنیم اگر کشور نیاز به آهن دارد باید آن را وارد کرد.
- وسیله واردات سرمایه بانکها هستند. شرکتهای خارجی تنها در صورتی در ایران سرمایه‌گذاری خواهند که از سودآوری آن در آینده مطمئن باشند. دولت باید برای گسترش همکاریهای خارجی هرگونه ضمانتی بدهد. براساس کتاب «اصول پیشرفت» و دانش ملکم‌خان در مورد بانکداری، واضح است که ملکم‌خان اطلاعات خوبی از اصول علم اقتصاد داشته است. او نمی‌توانسته است بطور رسمی در رشته اقتصاد تحصیل کرده باشد زیرا قبل از سالهای ۱۸۸۰ میلادی اقتصاد یک رشته دانشگاهی نبود. او ممکن است درسهایی را گذرانده باشد که بحثهای اقتصادی هم در آنها مطرح بوده، یا ممکن است دانش او بخاطر مطالعه کتاب "ثروت ملل" آدام اسمیت یا «اصول اقتصاد سیاسی و مالیات» دیوید ریکاردو باشد و شاید خیلی ساده به عنوان یک فرد تحصیل کرده او این معلومات را

بخاطر زندگی در اروپا بدست آورده باشد. از هر روشی که این معلومات را کسب کرده باشد به هر حال باید به او احترام گذاشت زیرا تا سالها بعد افراد خیلی کمی هم تراز او در بین ایرانیان می توان پیدا کرد.

ملکم خان ضرورت بانکداری و واسطه مالی را فهمیده بود، یعنی جمع آوری پس اندازهای کوچک و بزرگ و قرض دادن آنها به پروژه های سرمایه گذاری. این جای تأسف است که تا یک قرن بعد یک واسطه مالی معنادار جایی در ایران نداشت.

موتور رشد در طرح ملکم خان سرمایه گذاری خارجی است. در طی دوره مورد مطالعه جذب سرمایه خارجی با دشواریهای فراوانی مواجه شد، بحث درباره این مشکلات خارج از حوصله مقاله حاضر است. معهدا برخی سرمایه گذاریهای خارجی جذب کشور شد و موفقیت ناچیزی برای تشکیل شرکت های چند ملیتی برای شروع کار پیدا شد. در بین آنها می توان به «امپریال بانک پرشیا» (Bank of Persia) و کمپانی (شرکت) نفت ایران انگلیس اشاره کرد، که امروزه تحت نام (British Petroleum) شرکت نفت انگلیس فعالیت می کند. بسیاری انتقادات به این همکاریهای خارجی وارد شد اما پیشنهادات چیزی نبود جز صحبت های ملودرام و ناله و فغان. حتی امروز تنها یک صنعت بزرگ سودآور در ایران وجود دارد و آن نفت است که آن هم با سرمایه گذاری خارجی تأسیس شده است. امروز هم دولت ایران تلاش بسیاری را برای جذب سرمایه گذاری خارجی در نفت و سایر فعالیت های اقتصادی انجام می دهد.

بعد از پنجاه سال سلطنت، ناصرالدین شاه در اول می ۱۸۹۶ میلادی ترور شد. در ۱۵ اگوست ۱۹۰۶ میلادی، پسر او مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت را امضاء کرد اما زنده نماند تا اجرای آن را ببیند. برای ششم سال بعد ولیعهد او، محمدعلی شاه، یک مرد ظالم و خودخواه با مشروطیت و مشروطه خواهان با کمک قضات فاسد و روسیه تزاری، جنگید. مشروطه خواهان پیروز شدند و محمدعلی شاه در تبعید از دنیا رفت.

اگر چه انقلاب مشروطیت به اهداف از قبل تعیین شده نرسیده ولی تأثیر زیادی روی جامعه ایران داشت. رهبران نهضت، روحانیون بودند بخصوص سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی. اما انقلابیون و حامیان شان در همه جامعه پراکنده بودند و بندرت در مورد همه مسائل رو در رو بحث می کردند. برخی تفکرات مذهبی داشتند و برخی اهداف سکولار لیبرالیزم را دنبال می کردند و حتی به دنبال دموکراسی اجتماعی بودند. در بین گروه های صاحب نفوذ تجار هم بودند. اهداف آنها تقویت

اقتصاد ملی و ارتقاء تولیدات داخلی بود. تجار (بازاریان) این مشکلات را احساس می کردند زیرا به خاطر طبیعت دولت داخلی آنها هیچ امنیتی در خانه نداشتند و بخاطر ضعف دولت هیچ حمایتی هم در خارج از کشور از آنها صورت نمی گرفت. بعلاوه گمرکات و بانک در ایران تحت تسلط خارجیها بود و در نگاه تجار ایرانی، آنها در جهت رضایت قدرتهای اروپایی کار می کردند. به خاطر این نارضایتی ها بود که گروه بازاریان (تجار) در همان روزهای اول به انقلاب پیوستند. اولین حرکت انقلاب بر علیه دشمن تجار، نوز (Naus)، رئیس بلژیکی گمرکات، بود کسی که متهم بود که به طرفداری از روسها و بر ضد ایران تعرفه تجاری وضع کرده است. در اوایل انقلاب مردم ساختمان بانک روسها را به تصرف خود در آوردند. باید به این نکته اشاره کنیم که جرقه های انقلاب هنگامی زده شد که علاءالدوله حاکم تهران، تاجران شکر را به وسیله چوب و فلک تنبیه می کرد.^{۱۲} با توجه به نقش تجار در انقلاب، کسروی می نویسد:

«بخاطر کوششها و مسافرتهای تجاری، بازرگانان ثروتمند بودند و می توانستند خوب زندگی کنند. از طرف دیگر آنها از شرایط اجتماعی در کشورهای دیگر آگاه بودند و علاقه داشتند در کشور خودشان هم این مسائل و پیشرفت ها را مشاهده کنند. تجار آذربایجان یک گروه مؤثر و ارزشمند بودند که در مقایسه با سایرین پول و حمایت بیشتری صرف نهضت مشروطیت کردند.»^{۱۳}

در رابطه با اهداف اقتصادی نهضت، کسروی می نویسد: «این روزها کوششهایی انجام می شود تا جلوی گسترش کالاهای خارجی در کشور گرفته شود.»^{۱۴} بعلاوه یکی از اولین پروژه هایی که مشروطه خواهان در انجام آن شکست خوردند تأسیس بانک ملی بود.

چرا نهضت مشروطیت در دستیابی به اهدافش موفق نبود، سؤال مهم تری است که در این مقاله به آن پاسخ داده می شود. اما نکته ای که باید در اینجا اشاره کنیم این است که بزرگترین اشتباه مشروطه خواهان این بود که آنها تواناییهای خودشان را باور نداشتند. بعد از پیروزی اولیه طباطبایی و بهبهانی به صورت روز به روز نهضت را هدایت نکردند. این خیلی عجیب است که احتشام السلطنه، برادر علاءالدوله که قبلاً از او یاد کردیم، سخنگوی مجلس شد؛ مشیرالدوله و مومن الملک، کسانی که در هنگام به توپ بستن مجلس از محمدعلی شاه حمایت کرده بودند، برای پستهای وزارت در دوره مشروطیت در نظر گرفته شدند و عین الدوله دشمن سرسخت مشروطیت، نخست وزیر شد. این افراد و اطرافیانشان از بازماندگان زمانی بودند که شاه را سایه خدا می دانستند و خودشان را چیزی بیشتر از

یک نوکر ضعیف در مقابل شاه نمی‌دانستند، هیچ نقشی در دموکراسی نداشتند و تفکرات آزادیخواهی برای آنها قابل فهم نبود.

مشروطه‌خواهان به سختی تلاش کردند تا یک دولت کارا ایجاد کنند بطوریکه امور دولتی به جریان بیافتد و سطح زندگی مردم بهبود یابد. شکست محمدعلی شاه برای باز پس‌گیری تاج و تخت از دست رفته، استخدام مورگان شوستر برای مدرنیزه کردن مالیه عمومی ایران و تأسیس ژاندارمری به کمک افسران سوئدی، از این نوع کوششها بوده اما قدرتهای خارجی، بخصوص روسیه تزاری در مقابل مشروطه‌خواهان بودند و با هر روشی با آنها مقابله می‌کردند. در این کشمکش روسها تهدیدهای (اعمال) بسیار بی‌رحمانه و نابخشودنی در مقابل ایرانیان و مشروطه‌خواهان اعمال کردند.

کتابی که به خوبی تفکرات و اهداف اقتصادی مشروطه‌خواهان را منعکس می‌کند «لباس تقوی» است که به وسیله سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی نوشته شده است.^{۱۵} این کتاب در سال ۱۹۰۱-۱۹۰۰ میلادی در شیراز منتشر شد تا باعث ارتقاء تولید ایران شود و حاج محمدحسین کازرونی حمایت مالی این کار را انجام داد که خود مدیر شرکت نساجی اسلامیه بود. چون سید جمال‌الدین یکی از رهبران نهضت مشروطیت بود و تمام عمرش را صرف اینکار کرد، «لباس تقوی»، نشان دهنده ارتباط نزدیک بین تجار و انقلابیون و از طرف دیگر انعکاسی از تفکرات اقتصادی هر دو گروه است. کتاب حاوی چندین بخش است اما بخش اصلی همانی است که توسط سید جمال‌الدین نوشته شد به جز یک حاشیه طولانی که توسط محمدخان کاشانی، یک ویراستار روزنامه، تقریر شده است.

بخش نوشته شده به وسیله سید جمال‌الدین نصیحت‌گونه، ناپیوسته و پر از حاشیه‌های شعرهای فارسی و عربی است. از طرف دیگر به نظر می‌رسد کاشانی به مسائل اقتصادی آشنایی بیشتری داشته است، در همان چند صفحه اندک او نظراتش را بیان کرده است. تم‌های (موضوعات) کتاب عبارتند از: ملی‌گرایی، استقلال اقتصادی، افزایش تولید داخلی و خودکفایی. هم سید جمال‌الدین و هم کاشانی به تأسیس شرکتهای داخلی تأکید داشته‌اند. در ادامه ما ابتدا نظرات سید جمال‌الدین را خلاصه می‌کنیم.

سید جمال‌الدین مردم را به کمک برای تأسیس شرکتهای جدید و استفاده از پارچه‌های تولید داخل، فرا خواند. اساس این تجارت بر پایه دو اصل بود: رستگاری و جهاد. جهاد لزوماً به معنای جنگ نیست بلکه به معنای این است که خودمان را از نیاز به دشمن آزاد کنیم.^{۱۶} به عقیده سید جمال‌الدین

دشمن خارجی همیشه بدنبال فریب دادن مردم است. هر روز آنها یک حقه تازه می‌زنند، "یک روز بانک تأسیس می‌کنند یک روز به دنبال جاده‌سازی هستند، زمانی بیمارستان مجانی درست می‌کنند و گاهی وقتها هم مدرسه رایگان تأسیس می‌کنند. «همه اینها به خاطر این است که مردم را برده خود کنند.^{۱۷} او تأکید به عشق به کشور داشت و این که میهن‌پرستی ضرورت مسلمان بودن است. او می‌گفت: «اگر شما یک مسلمان هستید و سرزمین مادری و مقدس شما ایران است، شما باید بدنبال پیشرفت اسلام باشید. اما پیشرفت اسلام همان پیشرفت مسلمانان است.» «چطور شما حاضرید مشاهده کنید که به خاطر بیکاری و عدم وجود صنعت افراد فقیر جامعه در سختی بسر می‌برند و قادر نیستند نیازهای خود را برآورده کنند»^{۱۹} «پیشرفت، گسترش علم و دانش است» زیرا «پیشرفت هر ملت و کشور بستگی به علم و دانش دارد.»^{۲۰} با تأکید بر خودکفایی او چنین می‌نویسد:

"این درست است که هنگامی که چشم به لامپ برقی عادت کرده باشد نمی‌توان از چراغ نفتی استفاده کرد. اما اگر لامپ نفتی مال خودمان باشد و لامپ برقی را قرض گرفته باشیم همان بهتر که از لامپ نفتی استفاده کنیم. ما امید داریم که اگر کمی صبور باشیم پس از مدتی بتوانیم انواع صنایع و کارخانه‌ها را تأسیس کنیم." ^{۲۱} او به مردان کشورش می‌گفت که شما کمتر از غربیها نیستید، بنابراین شما هم قادر هستید لباسهای رنگی، تلگراف، راه آهن و مانند اینها را تولید کنید. همه اینها به وسیله تواناییهای بشر تولید شده که همه در وجود خود دارند. اگر ایرانیان بتوانند که کارخانه را به وسیله نیروهای خودی و بدون کمک بسازند که چه بهتر، و گرنه می‌توانند ساختن آن را از کسانی که دانش و معلومات دارند یاد بگیرند.^{۲۲} علی محمدخان کاشانی نوشته‌اش واضح، ساده و منطقی است.^{۲۳} این امکان وجود دارد که نوشته‌های ملکم خان در نظرات او تأثیر گذاشته باشد. او توضیح می‌دهد که ثروت یک دولت بستگی به گرایش مردم دارد. او مزیت‌های تأسیس شرکت را در مقابل تجارت انفرادی خاطر نشان می‌کند. او تأکید بر اهمیت راه آهن، کار با کیفیت و پول درآوردن می‌کند. برای ارتقا تولیدات داخلی او دلایل زیر را ارائه می‌کند:

احساس عموم به ما می‌گوید که اگر ما می‌توانیم پارچه خارجی را به قیمت هر ضرع (حدود ۱۰۴ سانتی‌متر) یک قران بخریم در حالیکه قیمت تولید داخلی پنج قران است به نفع همه مسلمانان است که دومین گزینه را انتخاب کنیم زیرا یک قران که به خارجی می‌دهیم از کشور خارج می‌شود در حالیکه پنج قران در کشور خودمان می‌ماند و در داخل کشور خرج می‌شود. جمعیت ایران تقریباً پانزده میلیون نفر است. اگر هم مردم لباسها و سایر نیازمندیهایشان را از خارج بخرند و هر سال یک

تومان پردازند هزینه کل کشور سالانه ۱۵ میلیون تومان خواهد شد... اگر این پول در داخل کشور خرج شود در یک زمان کوتاه هم مردم از فقر نجات پیدا می‌کنند و زندگی راحتی خواهند داشت.^{۲۴} در مورد کار با کیفیت او به این نکته اشاره می‌کند «افتخار بشر به هنر اوست نه به طلا و نقره» و بدترین آفت برای بشر عدم وجود تجارت یا هنر است.^{۲۵}

واضح است که نویسندگان لباس تقوی به استقلال اقتصادی و خودکفایی عقیده داشته‌اند و حقیقتاً این تفکرات آنها به حمایت‌گرایان و مکتب تاریخی آلمان نزدیک است. با وجودی که آنها از دولت برای حمایت و کمک تقاضا می‌کنند اما توجهی به سیاستهای حمایتی یا تعرفه‌ها ندارند. از طرف دیگر آنها از مردم تقاضا می‌کنند کالای داخلی را خریداری کنند حتی هنگامی که از کالای وارداتی گران‌تر است. چنین تقاضایی هنگامی عادلانه و قابل تصور است که تولیدات داخلی فقط برای مدت کوتاهی گران‌تر از خارجی باشد، اگر تولیدات ایرانی بطور عادی پنج برابر خارجی قیمت داشته باشد نه مردم آن را می‌خرند و نه به نفع کشور است که آن را تولید کنند. بعلاوه مادامی که پیشرفت اقتصادی یک هدف اصلی است به وسیله خودکفایی و بدون وابستگی به دیگران کشوری مثل ایران قادر به انجام آن نخواهد بود.

نکات گفته شده در "لباس تقوی" قسمتی از جامعه ایرانیان را نسبت به مشکلات اقتصادی کشور هوشیار کرد. همزمان آشکار شد که بخاطر عدم دانش اقتصادی، رهبران قادر نبودند که راه حل عملی برای بیماری اقتصاد کشور پیدا کنند. بین «اصول پیشرفت» و «لباس تقوی» توجه نخبگان ایرانی نسبت به مشکلات اقتصادی کشور جلب شد و تفکر اقتصادی تغییر کرد. اما آشکار است که هیچگاه پیشرفت علم اقتصاد در غرب طی همان دوره به ایران نرسید.

تا اوایل قرن بیستم هیچ کتاب اقتصادی در ایران چاپ نشد. کتاب سیمون دِ سیسموندی (Simon D. Sismondy) "اصول اقتصاد سیاسی" در حدود سال ۱۸۸۳ میلادی به فارسی ترجمه شد اما منتشر نشد. اواخر سال ۱۹۰۵ میلادی، محمدعلی فروغی کتاب «اصول علم ثروت ملل یعنی اقتصاد سیاسی» را منتشر کرد، که برداشت آزادی از کتاب درس اقتصاددان فرانسوی پل برگارد (P. Beauregard) می‌باشد. کتابی که همزمان در دانشگاههای فرانسه تدریس می‌شد. پل برگارد اقتصاددان مشهوری نبود. در تمامی کتابهای تاریخ اقتصادی که نویسنده مقاله بررسی کرده فقط شومپتر (Schumpeter) اشاره به مطلبی کرده که برگارد در زمان حیاتش منتشر کرده بود و کاری از کلمنت جاگلار (C. Jaglar) در ۱۹۰۹ میلادی.^{۲۸}

اواخر قرن نوزدهم و اوایل سالهای قرن بیستم شاهد کارهای اقتصاددانان مشهوری مثل جونز (Jonze)، مارشال (Marshall)، والراس (Walrase) و فیشر (Fisher) هستیم. مارشال کتاب «اصول علم اقتصاد» را در ۱۸۹۰ میلادی منتشر کرد و ایزونیک فیشر تز خودش را که کاربرد ریاضیات [در اقتصاد] بود در سال ۱۸۹۲ میلادی منتشر کرد. بنابراین باید پرسید چرا فروغی کتاب یک اقتصاددان معمولی را انتخاب کرده که هیچ نقشی در آخرین پیشرفتهای علم اقتصاد نداشته است؟ پاسخ ممکن است این باشد که فروغی علم اقتصاد نمی دانست و احتمالاً با آخرین پیشرفتهای در این رشته آشنا نبود. بعلاوه، تسلط او به زبان فرانسه دامنه انتخاب او را به کتابهای فرانسوی محدود کرده بود. با وجود این انتخاب او بد هم نبود زیرا هیچ کتاب اقتصادی به زبان فارسی وجود نداشت و حتی اندک افراد تحصیل کرده هم با این موضوع آشنا نبودند. خوانندگان برای فهم کتابهای پیشرفته علم اقتصاد مشکل داشتند، در حالی که کتاب برگارد برای خیلیها قابل فهم بود. فروغی هم با فرهنگ غرب و هم شرق آشنا بود و در این دو محیط تحصیل کرده بود. کار مشهور او تاریخ فلسفه غرب است، اما هنگامی که در استامبول بود جزوه کوچکی درباره تئوری تکامل داروین منتشر کرد. در این مقاله که بیش از هفتاد و پنج سال قبل نوشته شده، یعنی هنگامی که کمتر ایرانی حتی اسم داروین را شنیده بود، فروغی می گوید که او این تئوری را قبول دارد و حتی معتقد است که آینده نوع بشر در راهی است که هر کسی ممکن است روزی از هوش مصنوعی بهره مند شود.^{۲۹} فروغی در مواقع بحرانی تاریخ ایرانیان نخست وزیر ایران شد. نیازی نیست که بگوییم مانند همه سیاستمداران و حقیقتاً همه افراد بشر او هم خصوصیات خوب و بد داشت و کسی نمی تواند بگوید که همه کارها و تصمیمات او درست بوده است. یک تحقیق بیطرف در مورد زندگی و کارهای او ضروری به نظر می رسد.

برای سالیان دراز کتاب برگارد تنها کتاب در دسترس برای خوانندگان ایرانی بود. این که آیا مطالب این کتاب روی سیاستهای دولت و بخصوص هنگامی که دولت توسط فروغی هدایت می شده، موثر بوده یا نه سئوالی است که ارزش تحقیق و بررسی دارد.

هفت سال پس از انتشار لباس تقوی، مرتضی قلی خان صنیع الدوله، یک دولتمرد تحصیل کرده آلمان، جزوه کوچکی به نام «راه نجات» منتشر کرد. او قصد داشت که افکار عمومی را از طرحی که صنیع الدوله به دولت و مجلس داده بود، آگاه کند. او در اولین صفحه به ایرانیان یادآوری می کند که اگر بخواهیم خودمان کشور را اداره کنیم باید «سخت کار کنیم هیچ کس از خارج هیچ کاری برای ما نخواهد کرد»^{۳۱} او می گوید که وظیفه دولت حمایت از جان و مال مردم است. این حمایت دو گونه

است، مستقیم و غیرمستقیم. دولت به وسیله حفاظت از مرزها امنیت را تأمین می‌کند به وسیله اجرای قانون در داخل کشور و به وسیله تأسیس سیستم قضایی از تجاوز افراد به حقوق دیگران جلوگیری می‌کند.^{۳۳}

حمایتهای غیر مستقیم خدماتی است که مردم در زندگی به آن نیاز دارند، مثل آموزش مردم در مدارس، آموزش تجارت و ساختن جاده‌ها. براساس وظائفی که بر عهده دولت است دولت نیاز به پول دارد و هر کسی باید سهم خودش را بپردازد. بعلاوه یک نظام با تنظیم‌کننده‌های روشن برای جمع‌آوری درآمدها و هزینه‌های دولت، لازم است. او اضافه می‌کند که رمز هدایت موفق کشور افزایش در ثروت است تا مردم بتوانند مالیات بیشتری بدهند.^{۳۴}

برنامه صنایع‌الدوله برای افزایش سریع درآمد ایران ساختن راه آهن است. او محل هزینه‌های حمل و نقل کشور از طریق جاده‌های اصلی را ۲۵ میلیون تومان تخمین می‌زند. او حساب می‌کند که به وسیله سیستم راه آهن این هزینه نصف می‌شود بعلاوه تجارت افزایش خواهد یافت.

او محاسبه می‌کند که ساختن ۶۰۰۰ کیلومتر راه آهن بین ۶ تا ۷ سال طول می‌کشد و هزینه‌ای بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیون تومان خواهد داشت. بهره این مبلغ سالی ۶ میلیون تومان خواهد بود. او پیشنهاد می‌کند برای شروع کار ابتدا یک بخش ۹۰۰ کیلومتری با هزینه ۲۰ میلیون تومان ساخته شود بطوری که اصل و بهره بازپرداخت آن سالی یک میلیون تومان باشد. فایده ساختن یک خط در یک زمان اینست که این خط سریع تمام می‌شود و می‌توان از آن استفاده کرد و در نتیجه درآمدزا خواهد شد. همچنین به عقیده وی ۷۵ درصد مخارج سالانه ساختن راه آهن، در ایران و به صورت دستمزد و خرید مواد اولیه خرج خواهد شد، بنابراین درآمد مردم بالا خواهد رفت.

با توجه به همه این منافع، کشور باید مبلغ مورد نیاز را قرض بگیرد و قادر است پرداخت مبلغ یک میلیون تومان بابت اصل و فرع را تضمین کند. صنایع‌الدوله می‌گوید که او یک منبع برای این پول پیدا کرده است اما بعد از بحث در دولت و مجلس آن را افشا خواهد کرد.^{۳۶} او مالیات روی چای و شکر را پیشنهاد کرد و هنگامی که پذیرفته نشد مالیات روی نمک را پیشنهاد کرد.^{۳۷}

ساختن یک سیستم راه آهن از آرزوهای قدیمی و مهم برای توسعه اقتصادی در ایران بود. میرزا ملکم‌خان اظهار کرده است که "دلیل اصلی پیشرفت در غرب ... وجود راه آهن است." همچنین میرزا علی محمدخان کاشانی هم تأکید کرده که ما به راه آهن نیاز داریم. بالاخره صنایع‌الدوله بعنوان یک دولتمرد رسمی، یک طرح پیشنهادی تهیه کرد. با وجود این طرح انجام نشد تا این که رضاشاه و

وزیر دربارش، عبدالحسین تیمورتاش، طرح صنایع الدوله برای احداث سیستم راه آهن را به وسیله مالیات روش شکر و چای تأمین مالی کردند. خیلی جالب است که برادر صنایع الدوله بعنوان وزیر فواید عامه این طرح پیشنهادی را در ۲۰ فوریه ۱۹۲۷ میلادی به مجلس برد.^{۳۹}

بعنوان نکته آخر، باید اشاره کنیم صنایع الدوله یک مرد تحصیل کرده بود و کتاب «راه رستگاری» نشان می‌دهد که او با اصول علم اقتصاد آشنا بوده است. معذالک همه طرحهای او چیزی بیش از محاسباتی روی کاغذ نیست. با وجود این باید اشاره کنیم که او خیلی خوشبینانه هزینه‌ها را کمتر از مقدار واقعی برآورد کرده بود و این دشواریهای زیادی بوجود آورد که این از خصوصیات همه کسانی است که وظائف تاریخی را به عهده می‌گیرند.^{۴۰}

برلینها گروهی از ایرانیان روشنفکر بودند که بین سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۳۰ در برلین زندگی می‌کردند و تفکراتشان را در برخی روزنامه‌ها و مجلات منتشر کرده‌اند. در بین آنها سیدمحمدعلی جمالزاده، فرزند سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی که قبلاً اشاره شد، هم بود که برای تحصیل به بیروت و سپس اروپا عزیمت کرده بود. سید محمدعلی جمالزاده بیشتر بعنوان پیشتاز داستان‌نویسی کوتاه در ایران شناخته می‌شود.^{۴۱} اما او علاوه بر داستان‌نویسی اولین مطالعه جامع درباره اقتصاد ایران را انجام داده که این تحقیق در سال ۱۹۱۷ در برلین منتشر شد.

گنج شایگان^{۴۲} شبیه کتابهای سالنامه آماری است. این خیلی قابل توجه است که چطور جمالزاده توانایی جمع‌آوری اطلاعات و آمار جنبه‌های مختلف اقتصاد ایران را داشته است. در زمانی که ساختار ضعیفی از ارقام کمی در اقتصاد ایران موجود بود قابل قبول ترین آمارها شامل ارقامی بود که از طرف گمرک منتشر می‌شده و نشان‌دهنده صادرات و واردات و درآمدهای گمرکی بود. با استفاده از این منابع و گزارشهایی که در اروپا چاپ شده بود و سایر اطلاعات، جمالزاده تصویری از اقتصاد ایران و اصول اولیه آن ارائه می‌کند. او همچنین برخی مشکلات اقتصادی کشور را نشان داده و برخی سیاستهای پیشنهادی را ارائه می‌کند.

نمی‌توان گفت که همه اطلاعات ارائه شده در گنج شایگان دقیق است. همچنانکه نمی‌توان آن را کتابی قوی از جهت تحلیل یا سیاستهای پیشنهادی دانست. نکته مهم این است که این کتاب اولین کتاب از این نوع است که پنجره‌ای از شرایط اقتصادی ایران در اولین سالهای قرن بیستم بر روی ما باز می‌کند. اما شاید بزرگترین مشخصه این کتاب در این است که درباره اقتصاد به وسیله ارقام و واقعیتها صحبت می‌کند.

در نتیجه شکست نهضت مشروطه تعدادی از دولتمردان و روشنفکران به این نتیجه رسیدند که تنها راه بیرون آوردن کشور از گرداب عقب‌ماندگی وجود یک دولت قوی است. آنها عقیده داشتند که یک دولت مرکزی قوی قادر است صلح و امنیت را در کشور برقرار کند تا به وسیله آن مشکلات ناشی از عقب‌ماندگی اقتصادی هم مرتفع گردد. بین سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۳۰، رضاخان (بعدها رضاشاه) یک فرد ارتشی که از بریگاد قزاق و ژاندارمری بیرون آمده بود قانون دولت مرکزی را در سرتاسر ایران گسترش داد. همزمان دکتر آرتور میلیسو مسئول مالیه ایران شد و توانست مالیاتها را مرتب جمع آوری کند. اما توسعه اقتصادی و افزایش تولید چه شد؟

در مقاله‌ای تحت عنوان «بحرانها»^{۴۴} که در سال ۱۹۲۶ میلادی منتشر شد علی اکبر داور کسی که وزیر عدلیه و بعد وزیر مالیه رضاشاه بود تفکر «دولت باید پیشتاز فعالیتهای اقتصادی باشد» را مطرح کرد. او نشان داد که عامل بحران ما اقتصاد است هر چیز دیگری تحت تأثیر آن است. دلیل بدبختی ما فقدان منابع است، یک ملت فقیر باید همه این بدبختیها را تحمل کند. داور توضیح نمی‌دهد که طبیعت بحران ایران چیست، شاید برداشت شخصی وی در آن زمان بوده، اما او خاطر نشان می‌کند که دولتها عمر کوتاهی دارند، مردم از ادارات دولتی ناامید هستند و بخاطر راهی که کشور در آن افتاده همه ناخرسند هستند. بعلاوه، رهبران قبایل (عشایر) و خانهای محلی قدرتمند هستند و مردم آزاد نیستند. به عقیده داور بهترین راه نجات، اصلاح اقتصادی است. اما عوامل ایجاد بحران اقتصادی چه هستند؟ داور این عوامل را به دو دسته تقسیم کرده است: موقتی و ساختاری. در گروه اول به برداشت محصول کم در سال قبلی اشاره می‌کند (منظور او حدود سال ۱۹۲۵ میلادی است) و همچنین مسدود شدن جاده منتهی به روسیه. اما به عقیده وی اصلی‌ترین و پایدارترین مشکل ایران عدم توازن بین تولید و مصرف در ایران است؛ ایرانیان همیشه بیشتر از تولیدشان مصرف می‌کنند. این به دو علت است. از یک طرف کالاهای لوکس غربی مثل اتومبیل و داروهای جدید، و تجهیزات وارد می‌شد و مردم به مصرف آنها عادت می‌کردند. از طرفی کالاهای تولید داخل با روشهای قدیمی تولید می‌شد و نمی‌توانست با کالاهای غربی رقابت کند بنابراین تولیدشان متوقف می‌شد. برای متعادل کردن مصرف و تولید ما باید مصرف را کاهش و تولید را افزایش دهیم. در حال حاضر کاهش مصرف غیرممکن است، هیچ راهی نیست که به زمان سابق برگردیم هنگامی که هیچ اتومبیل، تلفن، داروی جدید و مانند اینها وجود نداشت. بعلاوه وطن پرستی ایجاب می‌کند که انسان بخواهد مردم کشور از زندگی بهتر لذت ببرند. بنابراین تنها انتخاب افزایش تولید است؛ ایرانیان باید کالاهای بازارپسندانه را در مقیاس

وسیع و قیمت منطقی تولید کنند. بعبارت دیگر ایران باید صدها میلیون ریال کالاهایی مثل ابریشم، کتان، پشم، تنباکو، میوه و خشکبار، مس، سرب و صدها نوع کالای دیگر را به کشورهای خارج صادر و کالاهای با کیفیت و پیشرفته وارد کند.^{۴۶}

بنابراین در اینجا دو مشکل وجود دارد: افزایش تولید و توانایی فروش کالاهای ایرانی در خارج. داور تعدادی از مشکلاتی را که در افزایش تولید کشور با آن مواجه است خاطر نشان می کند. اول تولیدات ایران کشاورزی هستند و به راحتی نمی توان آن را افزایش داد. دوم عوامل تولید-کار، تکنولوژی و سرمایه- در ایران کم است. جمعیت ایران کوچک است و بیشتر مردم درگیر فعالیتهای تولیدی نیستند. روشهای تولید خردمندانه و علمی نیست. بهره‌وری کشاورزی پایین است، دامها بخاطر بیماری تلف می شوند و کشاورزان اجازه نمی دهند گاوهایشان واکسینه شوند بلکه طالع بین و جادو را ترجیح می دهند. بالاخره سرمایه در نتیجه پس انداز جمع می شود در کشوری که مصرف بیشتر از تولید است تشکیل سرمایه ممکن نیست. در جایکه سرمایه نیست نرخ بهره بالاست. این غیر عملی است که با نرخ ۲۴ درصد قرض کنیم و با استفاده از آن تولید کشاورزی را توسعه دهیم. همین طور در صنایع ایران هیچ چیز ندارد. داور نتیجه گیری می کند که راز پیشرفت افزایش تولید در کوتاه مدت و به سرانجام رساندن روشهای مدرن در تولید است.

داور عقیده داشت که سه عامل برای موفقیت بازاریابی کالاهای ایرانی لازم است:

۱- در دنیای امروز کالاها به دنبال مشتری می گردند. اول باید بازار را پیدا کرد و تولید را براساس نیازها و سلیقه آن تنظیم کرد. در گذشته تجار نه به این امر واقف بودند و نه توانایی مالی اجرای این وظیفه را داشتند. بعلاوه نمایندگان دولت در خارج از کشور هم توانایی انجام چنین وظائفی را نداشتند.

۲- بعضی کالاها که اخیراً در ایران تولید شده سودآور نیستند و باید با کالاهای دیگر عوض شود.

۳- کالاها باید به قیمت بازار ارائه شود. برای رسیدن به این منظور کالاهای کشاورزی و صنعتی باید براساس آخرین روشهای علمی و اقتصادی ترین روش تولید شود و هر چه سریع تر آنها را به بازار رساند و با کمترین هزینه ممکن.^{۴۷}

اکنون اصل طرح پیشنهادی داور مطرح می شود: چه کسی باید این وظائف را انجام دهد؟

«به عقیده من، در شرایط فعلی کشور، هیچ کس به جز دولت قادر نیست بر بحران غلبه کند. کسی نمی‌تواند از تاجران توقع داشته باشد برای تولیدات ایران بازار پیدا کنند، دولت باید راه را به آنها نشان دهد. کسی نمی‌تواند از مردم توقع داشته باشد ایده جدیدی برای تولیدات کشاورزی پیدا کنند بلکه دولت باید روش درست را به کشاورز یاد دهد. تولید کالاها با حداقل قیمت نیازمند تکنولوژی علمی، جاده‌های مناسب تجارت، حمل و نقل مدرن و نرخهای بهره پایین است که همه اینها بستگی به امنیت و حمایت قانونی از حقوق مالکیت دارد. کدامیک از این وظائف را می‌توان به گردن مردم ناآگاه و بی‌ارزش گذاشت؟ بله، دولت باید ما را از این وضعیت نامناسب خارج کند.»^{۴۸}

از شروع دوره رضاشاه (۱۹۴۱-۱۹۲۵) داور یکی از مهمترین دولتمردان بود. در طی این دوره دولت به طور فزاینده‌ای درگیر کارهای اقتصادی شد و طرحهای بزرگی به اجرا درآمد، که در بین آنها می‌توان به سیستم راه آهن و تأسیس بانک ملی ایران اشاره کرد. بعنوان وزیر مالیه- از ۱۷ سپتامبر ۱۹۳۳ تا ۹ فوریه ۱۹۳۷ هنگامی که او خودکشی کرد- داور همیشه نقش دولت در اقتصاد را افزایش داد. او بسیاری شرکتهای دولتی تأسیس کرد از جمله شرکت مرکزی موافقت نامه‌های تجاری با اتحاد شوروی و شرکت بیمه ایران. بسیاری از فعالیتهای دولت در این دوره توجیه اقتصادی نداشتند. علی وکیلی، کسی که در شرکت مرکزی کار می‌کرد مطالبی را درباره این شرکت در خاطرات خود آورده است.^{۴۹} جمع آوری‌های مجدد او نشان‌دهنده بسیاری از فعالیتهای نابخردانه اقتصادی در این دوره است چند نمونه برای ما کافی است.

در جاده مشهد، وکیلی مشاهده کرد که مسافران چای را از قهوه‌خانه‌ها می‌خرند اما از قندی که همراه خود آورده‌اند استفاده می‌کنند. اخیراً قیمت قند به شدت افزایش یافته بود و کیلی مشاهداتش را به داور گزارش کرد او هم دستور داد در مورد استکانهای چای در قهوه‌خانه‌ها تحقیق کنند. از زمانهایی که قیمت چای و قند برای مدت طولانی ثابت مانده بود، قهوه‌خانه‌ها از استکانهای کوچکتر و کوچکتر که تقریباً نصف اندازه استکانهای قبلی بود استفاده می‌کردند. پس از تحقیقات گسترده و محاسبه هزینه‌ها و سود متعارف به صاحبان قهوه‌خانه‌ها دستور داده شده از استکانهای بزرگتر استفاده کنند.^{۵۰} در آن زمان آیا وزیر مالیه ایران کارهای مهم‌تر از این نداشته است که انجام دهد.

در ۷ ژانویه ۱۹۳۶، رضاشاه دستور کشف حجاب را صادر کرد. نتیجه این کار کمبود در پوشاک زنان بخصوص پالتو بود، خیاطها قیمت را بالا بردند. همزمان رضاشاه به داور دستور داد چاره ای بیاندیشد، و پس از شنیدن نظر وکیلی، چندین مغازه و تعدادی خیاط توسط دولت اجاره شد. او

سپس اعلام کرد شرکت مرکزی چندین فروشگاه خیاطی تأسیس کرده و پالتو را بین شش تا هشت تومان عرضه می‌کند. این فروشگاهها دو تا سه ماه به کار خود ادامه دادند تا این که وکیلی بحران را خاتمه یافته اعلام کرد و شرکت مرکزی فروشگاههای خیاطی را بست. اما به خیاطان اخطار داده شد که اگر قیمت را بالا ببرند این داستان دوباره تکرار خواهد شد.^{۵۱}

یک تاجر مصری یک ساختمان اجاره‌ای ساخته بود و هر اطاق را پنج تومان ماهیانه کرایه می‌داد. داور به وزارتخانه سفارشی کرد که به این مرد کمک کند اما همزمان از مرد مصری تقاضا کرد که اجاره را هم کاهش دهد. او تهدید کرد که اگر از دستور او سرپیچی کند دولت آپارتمانهای مشابهی خواهد ساخت و آنها را با قیمت کمتر اجاره خواهد داد، بنابراین تاجر مصری ضرر خواهد کرد. تاجر مصری هم دستورات داور را اطاعت کرد.^{۵۲}

چنین خطاها و برداشتهایی که از اقتصاد می‌شد و تأسیس شرکتها و کارخانه‌های زیان ده دولتی، اقتصاد ایران را در مسیر بدتری هدایت کرد. ایرانیان تا الآن هم زیان این اقدامات اشتباه را می‌دهند.

بیش از ۱۲۵ سال پس از این که ملکم‌خان در لندن اقامت داشت و یک برنامه اقتصادی برای ناصرالدین شاه نوشت اقتصاد ایران در یک مسیر غلط حرکت می‌کند. بیکاری بالا و چشم‌انداز آینده اقتصاد مبهم است. دولت و اغلب صنایع برای ادامه فعالیتشان وابسته به درآمدهای نفتی هستند. تردیدی نیست که مردم و دولت مایلند تا اقتصاد از وضعیت نامساعد فعلی خارج شود. اولین نکته اینست که بدانیم چگونه و چرا اقتصاد به وضعیت فعلی دچار شده است. سیاستهای غلط گذشته که بر پایه تفکرات اقتصادی اشتباه شکل گرفته، مسلماً یکی از عوامل اصلی است.

یادداشتها

- ۱- جان مینارد کینز تئوری عمومی پول، اشتغال و بهره (لندن: انجمن اقتصاد سلطنتی)، ۱۹۷۳، ص ۴-۳۸۳ (چاپ اول ۱۹۳۶).
- ۲- در این زمینه کوششهایی توسط دو صدر اعظم اصلاح طلب، قائم مقام و امیرکبیر، انجام شد که ارزش اشاره کردن دارد اگر چه این کوششها متوقف شد. نویسنده به این دوران اشاره ای نکرده است زیرا خارج از دوره مورد مطالعه در این مقاله بوده است. نویسنده تحقیقی در مورد قائم مقام ندیده، اما خوانندگان علاقه مند به زندگی و سرانجام امیرکبیر می توانند به کتاب عالی فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، چاپ ششم (تهران: خوارزمی، ۱۹۸۲). مراجعه کنند.
- ۳- برای زندگی و تفکرات ملکم خان، برای مثال نگاه کنید به، فرشته نورایی، تحقیق در افکار ملکم خان نظام الدوله (یک تحقیق در مورد تفکرات میرزا ملکم خان نظام الدوله) (تهران: جیبی، ۱۹۷۳)؛ اسماعیل رائین، میرزا ملکم خان زندگی و کوششهای سیاسی او (تهران: صفی علیشاه، ۱۹۷۱)؛ حمید الگار، میرزا ملکم خان تحقیقی در تاریخ مدرنیزم ایرانی (برکلی: دانشگاه کالیفرنیا، ۱۹۷۳)؛ حجت الله اصیل، زندگی و اندیشه میرزا ملکم خان نظام الدوله (تهران: نی، ۱۹۷۷)؛ کریم مجتهدی، میرزا ملکم خان و اصول نظری نظم پیشنهادی او، راهنمای کتاب، ۲۱ (۱۹۷۸) ص ۹۶-۲۸۲؛ فریدون آدمیت، فکر آزادی و مقدمات نهضت مشروطیت (تهران: سخن، ۱۹۶۱). بیشتر نوشته های ملکم خان منتشر شده و در دسترس است، شامل: کارهای جمع آوری شده ملکم، ویرایش به وسیله هاشم ربیع زاده (تهران: مجلس، ۱۹۰۷)؛ کارهای جمع آوری شده میرزا ملکم خان، ویرایش و مقدمه به وسیله محمد محیط طباطبایی (تهران: علمی)، روزنامه قانون (روزنامه منتشر شده به وسیله ملکم) ویرایش به وسیله هما ناطق (تهران: امیرکبیر، ۱۹۷۶).
- ۴- میرزا ملکم خان، اصول ترقی، سخن، جلد ۱۶، شماره ۶-۱ (۶۷-۱۹۶۶). در مجموعه کارهای جمع آوری شده ملکم به وسیله ربیع زاده نظر او در دو قسمت تحت عنوان اصول مدنیت و گفتگوی غریب، آمده است.
- ۵- الگار، میرزا ملکم خان، ص ۱۰۹
- ۶- ملکم به وظیفه پول بعنوان ذخیره ارزش توجهی نکرده است.
- ۷- در سال ۱۸۷۲ در طی مسافرت به اروپا، نصرالدین شاه امتیازات زیادی به بارون جولوس دورویر اعطا کرد که از آن جمله تأسیس یک بانک بود.

- ۸- این بخصوص خیلی مهم است زیرا روحانیون همیشه با ملکم خان مخالف بوده اند. بخاطر تفکرات مدرنیته و سکودار و به خاطر اینکه به عقیده آنها ملکم قلباً به اسلام اعتقاد نداشت.
- ۹- تاریخچه نگاه کنید صالح بانک ملی ایران، ۱۳۳۷-۱۳۰۷ (سی سال تاریخ بانک ملی ایران، ۵۸-۱۹۲۸) (تهران: بانک ملی ایران، ۱۹۵۹) ص ۱۲.
- ۱۰- کسروی، احمد. تاریخ مشروط ایران چاپ دهم (تهران: امیرکبیر، ۱۹۷۴) ص ۷-۳۵ و ص ۵۱.
- ۱۱- همان منبع ص ۸-۵۴
- ۱۲- همان منبع ص ۹-۵۸
- ۱۳- همان منبع ص ۱۲۸
- ۱۴- همان منبع ص ۱۵۲
- ۱۵- اصفهانی، سیدجمال الدین. لباس تقوی، محمدی، دارالطبع. شیراز، ۱۹۰۰-۰۱، نگاه کنید همچنین به، لباس تقوی: نوشته اقتصادی اول قرن بیستم، مطالعات خاور میانه، جلد ۲۸ (۱۹۹۲)، ص ۸-۵۴۷، که برخی از قسمتهای این نوشته مجدداً در اینجا آورده شده است. برای اطلاعات بیشتر از زندگی و کار سید نگاه کنید به سید محمدعلی جمالزاده، سید جمال الدین واعظ معروف به اصفهانی، در اروپا. خواجه نوری (ویراستار)، مردان خود ساخته (تهران: اقبال- امیرکبیر، ۱۹۵۶) ص ۳۸-۱۲۰، و اقبال یغمایی، شهید راه آزادی، سید جمال واعظ اصفهانی (تهران: توس ۱۹۷۸)
- ۱۶- لباس تقوی، ص ۲-۲۰.
- ۱۷- همان منبع، ص ۷-۲۶.
- ۱۸- همان منبع، ص ۳۲.
- ۱۹- همان منبع، ص ۵-۳۴.
- ۲۰- همان منبع، ص ۳۶.
- ۲۱- همان منبع، ص ۴۱.
- ۲۲- همان منبع، ص ۷۴.
- ۲۳- برای ترجمه قسمتهای نوشته شده بوسیله کاشانی، نگاه کنید به لباس تقوی، ص ۶-۵۵۳.
- ۲۴- همان ص ۶-۵۵۵.
- ۲۵- همان ص ۵۵۶.

- ۲۶- آدمیت، فریدون. و نجات، هما. افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در عصر منتشر نشده دوران قاجار (تهران، آگاه، ۱۹۷۷)، ص ۳۸-۲۳۳.
- ۲۷- برگارد، پل. اصول علم ثروت ملل یعنی اقتصاد سیاسی، ترجمه بوسیله محمدعلی فروغی (تهران، مطبع شاهنشاهی، ۱۹۰۵). یک چاپ جدید از این کتاب با مقدمه همراه آن در دسترس است (تهران: فروان، ۱۹۹۸).
- ۲۸- شومپتر، جوزف. آ. تاریخ تحلیل اقتصادی (نیویورک، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۵۴) ص ۱۱۲۴.
- ۲۹- محمدعلی فروغی، اندیشه دور و دراز (استامبول، ن.پ، ۱۹۲۷).
- ۳۰- صنیع الدوله، مرتضی قلی خان. راه نجات (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۹۸۴) (نسخه اصلی ۱۹۰۷ چاپ شد).
- ۳۱- همان ص ۹.
- ۳۲- همان ص ۱۰.
- ۳۳- همان ص ۱۰-۱۲. لازم است اشاره کنیم که صنیع الدوله بعنوان وزیر مالیه اولین بودجه مالی تاریخ ایران را بطور جامع تهیه کرد، اگر چه ترور او در ۱۹۱۱ میلادی بوسیله یک گرجی کار او را ناتمام گذاشت، نگاه کنید به منوچهر ضیایی، مجموعه قوانین بودجه، برنامه و سایر قوانین و مصوبات مربوط از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۴۳. (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۹۸۷) جلد یک صفحه ۱۳۱.
- ۳۴- راه نجات ص ۱۵.
- ۳۵- همان ۱۹-۱۵.
- ۳۶- همان ۱۸.
- ۳۷- قلی هدایت، مهدی. خاطرات و خطرات (تهران: رنگین، ۱۹۵۰) ص ۲۹۴.
- ۳۸- پیشنهاد شماره ۳، ص ۳۲.
- ۳۹- خاطرات ص ۴۷۴.
- ۴۰- برای این نکته نگاه کنید به دیوید مک کالگ، راه بین دریاها: ایجاد کانال پاناما، ۱۹۱۴-۱۸۷۰ (نیویورک: سیمون و شوستر، ۱۹۷۷) برای آشنایی و خصوصیات فردینانه دلیپس، مردی که ساختن کانال سوئز را شروع و به پایان رساند، ولی نتوانسته کانال پاناما را تمام کند.
- ۴۱- برای آشنایی با فعالیتهای این گروه نگاه کنید به جمشید بهنام، برلینها (تهران: فرزانه، ۲۰۰۰).

- ۴۲- آراین پور، یحیی. از صبا تا نیما، پنج تابلو (تهران، حبیبی ۱۹۷۸)، جلد ۲، ص ۸۸-۲۷۸.
- ۴۳- جمال زاده، سید محمدعلی. گنج شایگان، چاپ دوم (تهران: کتاب تهران، ۱۹۸۳) چاپ اول ۱۹۱۷.
- ۴۴- داور، علی اکبر. بحران، آینده، دسامبر ۱۹۲۶، ژانویه ۱۹۲۷، ص ۲۴-۷. برای زندگی و تفکرات داور نگاه کنید به باقر عاقلی، داور و عدلیه (تهران: علمی، ۱۹۹۰)؛ و کاوه بیات، اندیشه سیاسی داور و تأسیس دولت مدرن در ایران، گفتگو، شماره ۲ (۱۹۹۳)، ص ۳۳-۱۱۶.
- ۴۵- همان ص ۸.
- ۴۶- همان ص ۲۱-۲۰.
- ۴۷- همان ص ۲۳.
- ۴۸- همان ص ۲۴.
- ۴۹- وکیلی، علی. داور و شرکت مرکزی (تهران: اتاق بازرگانی ایران، ۱۹۶۴).
- ۵۰- همان ص ۳-۲۹.
- ۵۱- همان ص ۳-۶۱.
- ۵۲- همان ص ۴-۶۳.